



درس تفسیر استاد حاج سید مجتبی نورمفیدی

موضوع کلی: سوره بقره

تاریخ: ۱۵ آبان ۱۴۰۳

مصادف با: ۳ جمادی الاول ۱۴۴۶

موضوع جزئی: آیه ۵۸ و ۵۹ - بخش‌های پنج‌گانه آیه ۵۸ - بخش اول: «و إذ قلنا ادخلوا هذه القرية» -

جلسه: ۱۱

مطلب سوم: احتمالات چهارگانه در قریه - نظر برگزیده - تقویت احتمال اول -

مطلب چهارم: تطبیق قریه بر بیوت اهل بیت (ع) در برخی روایات

«الحمد لله رب العالمین و صلی الله علی محمد وآله الطاهیرین و اللعن علی اعدائهم اجمعین»

ادامه بحث پیرامون نظر برگزیده

بحث‌هایی که در بخش اول از بخش‌های پنج‌گانه آیه ۵۸ لازم بود طرح شود، مورد اشاره قرار گرفت؛ لکن از بخش اول یک نکته و مطلبی باقی مانده که آن را هم عرض کنیم. گفتیم از میان چهار احتمال در مورد قریه، دو احتمال قابل قبول‌تر است؛ یکی اینکه منظور بیت المقدس باشد و دیگر اینکه منظور اریحا باشد.

به حسب خود این آیه، با قطع نظر از سایر آیات و بعضاً روایاتی که ذکر شده، شاید احتمال اینکه اریحا مقصود باشد، قوی‌تر باشد از بیت المقدس. اینکه منظور بیت المقدس باشد، یک مبعدهاتی دارد در خود همین آیه به واسطه بعضی از امور، و در عین حال در آیات دیگر شاید قرینه‌هایی که این احتمال را تقویت می‌کند، وجود دارد. ما در جلسه گذشته عرض کردیم که یک روایتی در تفسیر منسوب به امام عسکری (ع) وجود دارد که فیض کاشانی به استناد این روایت، این احتمال را تقویت کرد. روایت از امام عسکری (ع) است: «ادخلوا هذه القرية... وَ هِيَ أَرِيحَا مِنْ بِلَادِ الشَّامِ وَ ذَلِكَ حِينَ خَرَجُوا مِنَ التَّيْهِ»؛ می‌فرماید: این قریه که امر داخل شدن به آن شده است، اریحا از سرزمین‌های شام (شام قدیم) و این زمانی بوده که از سرزمین تیه خارج شدند.

تقویت احتمال اول

اما از آن طرف با ملاحظه مجموع آیاتی که درباره ارض مقدسه نازل شده، به نظر می‌رسد منظور از قریه همان بیت المقدس است. چندین موضع در قرآن به ارض با برکت و ارض مقدس اشاره شده که منظور بیت المقدس است.

۱. آیه ۷۱ سوره انبیاء: «وَنَجِّينَاهُ وَكُوطًا إِلَى الْأَرْضِ الَّتِي بَارَكْنَا فِيهَا لِلْعَالَمِينَ». این مربوط به حضرت ابراهیم خلیل و نجات او و بردن آنها به سرزمینی است که خداوند می‌فرماید ما آن را برای عالمیان مبارک کردیم. این همان منطقه بیت المقدس است که بعدها هم محل معراج پیامبر (ص) و قبله اول مسلمین و انبیاء دیگری است که از این منطقه برخاستند، همه برای همان منطقه هستند. اما بیشتر انصراف پیدا کرده به بیت المقدس؛ حالا اریحا هم قریب به بیت المقدس است، یا آن مناطقی که محل ظهور انبیا و ادیان الهی بوده، از ابراهیم خلیل تا حضرت موسی و احفاد حضرت موسی.

۲. در مورد بنی اسرائیل آیه‌ای که در سوره مائده آمده: «يَا قَوْمِ ادْخُلُوا الْأَرْضَ الْمُقَدَّسَةَ الَّتِي كَتَبَ اللَّهُ لَكُمْ وَا تَرْتَدُّوا عَلَيَّ أَدْبَارِكُمْ فَتَنْقَلِبُوا خَاسِرِينَ»؛ ما این را قبلاً هم گفتیم. آنجا خطاب به بنی اسرائیل می‌فرماید وارد این سرزمین مقدس شوید که

۱. تفسیر برهان، ج ۱، ص ۱۰۲.

۲. سوره مائده، آیه ۲۱.

خداوند بر شما واجب کرده و لازم کرده؛ به آن گذشته‌ها برنگردید که گرفتار خسران و زیان خواهید بود. اینجا گفته‌اند «الارض المقدسة» همان بیت‌المقدس است؛ خداوند به اینها دستور داد که وارد این سرزمین شود. آنجا بهانه آوردند که عمالقه در این سرزمین حضور دارند؛ حرف آنها این بود: «إِنَّ فِيهَا قَوْمًا جَبَّارِينَ وَإِنَّا لَنَ نَدْخُلُهَا حَتَّىٰ يَخْرُجُوا مِنْهَا»^۱، اینجا یک قوم جبار هستند (که اشاره به عمالقه دارد) و ما داخل نمی‌شویم تا اینها از اینجا خارج شوند. حضرت موسی به اینها فرمود که باید با اینجا بجنگید و آنها را بیرون کنید؛ گفتند تو و خدایت بروید با آنها بجنگید و بعد ما می‌آییم، «فَاذْهَبْ أَنْتَ وَرَبِّكَ فَقَاتِلَا إِنَّا هَاهُنَا قَاعِدُونَ»^۲، بعد که آنها بیرون رفتند، ما وارد می‌شویم. اینها چنین بهانه‌ای آوردند و وارد آن سرزمین نشدند. این بعد از خروج از مصر و نجات از دریا بود. بعد از آنکه فرعون و دار و دسته‌اش نابود شدند و اینها نجات پیدا کردند، مأمور شدند به اینکه به این سرزمین مقدس و مبارک وارد شوند، لکن بهانه آوردند. عجیب است! بنی‌اسرائیل در بهانه‌جویی و تمرد اصلاً یک قوم نمونه محسوب می‌شوند. البته این یک معیار و ملاک برای همه انواع ناسپاسی‌ها و ناسپاسان است. با این بهانه و تمرد، خداوند متعال آنها را چهل سال در آن بیابان سرگردان کرد؛ بعد که دوباره امر به ورود و دخول کرد، این امر در واقع ورود به همان سرزمینی است که قبلاً به ورود به آن مأمور شده بودند. «وَإِذْ قُلْنَا ادْخُلُوا هَذِهِ الْقَرْيَةَ»، این در واقع امر دیگری است غیر از امر به دخول در ارض مقدسه است؛ آنجا تمرد کردند و قبلاً هم گفتیم یک بهانه‌ای آوردند و نرفتند؛ عذاب آن چهل سال سرگردانی بود. اینجا بعد از آن مسئله، امر دومی هم صادر شده است. اما مکانی که امر به ورود به آن شده‌اند همان مکان یعنی بیت‌المقدس است؛ بر این اساس، «هذه القرية» را هم بر بیت‌المقدس حمل می‌کنند.

سؤال:

استاد: آن برای سرزمین مصر است؛ این برای بعد از نجات از دریاست. ... اینها از مصر بیرون آمدند و از دریا عبور کردند؛ همان هم خیلی داستان دارد. در آیات قبل، به ناسپاسی‌های بنی‌اسرائیل در مقابل نعمت‌های خدا اشاره شد. بعد از خروج از مصر و نجات از دریا، امر به دخول به ارض مقدسه شده است. ... من هم استعمالات ارض مقدسه، ارض مبارکه، «التي باركنا فيها للعالمين»، اینها را به عنوان قرینه می‌آوریم بر اینکه «هذه القرية» همان بیت‌المقدس باشد.

۳. یا مثلاً در آیه دیگر می‌فرماید: «وَلَسَلِيمَانَ الرِّيحَ عَاصِفَةً تَجْرِي بِأَمْرِهِ إِلَى الْأَرْضِ الَّتِي بَارَكْنَا فِيهَا»، در مورد سلیمان پیامبر و داود پیامبر از همین مکان به عنوان ارض مبارک و مقدس یاد شده است. در زمان عیسی مسیح و در زمان پیامبر اسلام (ص) هم از همین مکان به عنوان سرزمین مبارک یاد شده است.

خلاصه اینکه یک وقت ما این آیه را فی‌نفسه با توجه به قضایای تاریخی و برخی قرائن و شواهد و آن روایت در نظر می‌گیریم، در این صورت احتمال اینکه منظور اریحا باشد قوی‌تر است؛ اما وقتی با مجموع آیات و اطلاقات ارض مقدسه و مبارکه ملاحظه می‌کنیم، شاید احتمال تطبیق آن بر بیت‌المقدس اقوی باشد. به همین جهت هم شاید اغلب مفسرین آن را حمل بر بیت‌المقدس کرده‌اند و کمتر این را به معنای اریحا دانسته‌اند.

پس آنچه که ما در جلسه گذشته گفتیم، فی‌نفسه و با ملاحظه روایتی بود که از تفسیر امام عسکری (ع) نقل شد، ما باشیم و این

۱. سوره مائده، آیه ۲۲.

۲. سوره مائده، آیه ۲۴.

آیه و روایتی که در ذیل این آیه وارد شده و بعضی قرائن دیگر که ذکر کردیم، ممکن است بگوییم اریحا احتمال قابل توجهی است؛ ولی با ملاحظه آیات دیگر و اطلاقات ارض مبارکه و ارض مقدسه، احتمال اینکه بیت المقدس باشد بیشتر است.

پاسخ به یک اشکال

فقط یک اشکال باقی می ماند که چطور می شود خداوند به زبان حضرت موسی امر ورود به این سرزمین کند در حالی که خود حضرت موسی وارد این سرزمین نشد و از دنیا رفت و همان جا دفن شد. الان منطقه ای در آنجا به عنوان مدفن حضرت موسی در همان مناطق و نزدیک بیت المقدس وجود دارد. حضرت موسی وارد بیت المقدس نشد؛ وصی او یوشع وارد بیت المقدس شد. لذا می گویند چطور می شود این امر به زبان حضرت موسی بیان شده، در حالی که خودش نرفته است.

ما عرض کردیم که ممکن است به زبان حضرت موسی برای آینده بیان شده است؛ امر به ورود به بیت المقدس به لسان حضرت موسی از ناحیه خداوند اعلام شد، اما فتح بیت المقدس و ورود بنی اسرائیل به آنجا، توسط یوشع وصی حضرت موسی واقع شده است. لذا این قابل توجیه است.

مطلب چهارم: تطبیق قریه بر بیوت اهل بیت (ع) در برخی روایات

در این بخش یک نکته باقی مانده که به یک معنا مطلب چهارم می شود، چون متفاوت با مطالب قبلی است؛ و آن تطبیق «هذه القرية» در بعضی روایات بر بیوت اهل بیت (ع) و ولایت اهل بیت (ع) است. در روایتی از امیرالمؤمنین (ع) و امام باقر (ع) وارد شده: «وَلَيْسَ الْبِرُّ بِأَنْ تَأْتُوا الْبُيُوتَ...»^۱، «و قوله تعالى وَإِذْ قُلْنَا ادْخُلُوا هَذِهِ الْقَرْيَةَ...»، حضرت این دو آیه را تطبیق می کنند و می فرماید: «نَحْنُ الْبُيُوتُ الَّتِي أَمَرَ اللَّهُ أَنْ تُؤْتَى مِنْ أَبْوَابِهَا»^۲، ما آن بیوتی هستیم که خداوند امر فرموده از باب آن اتیان شود. قریه بر بیوت اهل بیت (ع) تطبیق داده شده و تفسیر آن نیست، و این منافاتی با معنای ظاهری آیه ندارد. گویا حضرت می خواهد بفرماید که قریه به عنوان ارض مبارک و ارض مقدس، «التي باركنا فيها للعالمين»، اینها همه یک منطقه و مکان است؛ اصل، بهره مندی از بیوت اهل بیت (ع) است که همه نعمت ها آنجاست. اگر کسی وارد در این محدوده شود، از همه نعمت ها بهره مند است.

سؤال:

استاد: آن یک چیزی است به نام خطبة البيان که در نهج البلاغه نیست و در بعضی از کتاب ها آورده اند و بعضی ها اشکال کرده اند که امیرالمؤمنین (ع) بگوید «أنا الاول و الآخر، أنا الظاهر و الباطن»، خیلی باید توجیه کرد. اما اینکه این نمونه ها را تطبیق می کنند بر خودشان، بالاخره اصل نعمت ها این نعمت است، منتها بشرطها و شروطها.

«والحمد لله رب العالمين»

۱. سوره بقره، آیه ۱۸۹.

۲. بحار الأنوار، ج ۴۰، ص ۲۰۵.